

گروه جامعه

«تجاوز»: شنیدنش هم وحشتناک است چه بردس به اینکه بخواد به سرت بیاید. دختر و پسر هم ندارد، برای هرکسی در هر سنی می‌تواند اتفاق بیفتد. چند روزی است که ادعاهایی با عنوان «تجاوز» در فضای مجازی جولان می‌دهد، و برخی کاربران فضای مجازی در توئیتر یا اینستاگرام از تجربه‌های خود سخن به میان آورده‌اند. آدم‌هایی که پس از سال‌ها سکوت، راز سر به مهری را بازگو می‌کنند که قبل از این جرات گفتنش را حتی به نزدیک‌ترین‌های‌شان را نداشتند. آن‌ها اینک از کیوس‌های شبانه، از نگاه‌های زجرآور و از احساس تنفرشان می‌گویند. کسانی که قربانیان تجاوز هستند، مردان و زنانی که حتی با وجود تشکیل خانواده و فرزندان شدن نمی‌توانند لکه سیاه آن حادثه را از ذهن‌شان پاک کنند.

یکی از دوستان روزنامه‌نگار در اینستاگرامش متنی را گذاشته بود با این مضمون: «کادوی تولد ۱۲ سالگی دخترک، ثبت‌نام در کلاس نقاشی دوست صمیمی پدرش بود. یک استاد نقاشی که همیشه دختر را جووجهی من خطاب می‌کرد. وقت یا به کلاس استاد گذاشت، متوجه شد استاد همیشه در آفتاب تدریس خصوصی می‌کند و این شاگردهای قدیمی او هستند که کار تدریس عمومی را بر عهده دارند. بعد از دو هفته نقاش از او می‌گوید: جووجهی من تو خیلی با استعدادی، از جلسه‌ی بعد به طور خصوصی به تو درس می‌دهم و این پایان دخترک بود. هر روز هنگامی که در سالن، هنرجویان در حال طراحی و نقاشی بودند، نقاش در اتاق خود به یکی از جووجهایش رسیدگی می‌کرد. سن و سال هم اصلا برایش مطرح نبود فقط تلاش می‌کرد عطش اعتیاد به روابط جنسی خود را بخواباند. دخترک قصه‌ی ما بالاخره در ۱۷ سالگی و به بهانه‌ی گنگورو نوانست از شر استاد رها شود اما جووجهای همکلاسی او نه... سه سال‌ها از آن واقعه گذشته و دختر اینک متاهل است اما توان ارتباط جنسی را ندارد. افسردگی مزاور و کیوس‌ها و شب‌آرایی‌ها و... همه‌ی آنچه پیشگان ptsd می‌خوانند.»

از این داستان‌های تکل‌دهنده در شهر و اطراف خودمان هم وجود دارد. چندوقت پیش به واسطه یکی از دوستان با پسر نوجوانی آشنا شدم که متوجه شدم به او تجاوز شده است، البته ابتدا کتمان می‌کرد و زمان زیادی برد تا توانستم او را به گفت‌وگواخی کنم.

فکرمی‌کنید کسی آدم را درک می‌کند؟

حدود ۱۶ سال بیشتر ندارد. موهای مشکی

و چشمانی رنگی دارد. لاغر است و قد بلند. کمتر اهل حرف زدن است و زمانی می‌خواهد داستان آن شب را تعریف کند کمتر در چشمانم نگاه می‌کند. انگار که از حادثه ناخوابسته‌ای که برایش پیش آمده خجالت می‌کشد و بارها در طول مصاحبه می‌گوید: «لطفا هویتم جایی درز پیدا نکند. بعد هم می‌گوید به نظر شما می‌شود چنین چیزی را به کسی گفت؟ فکر می‌کنید کسی آدم را درک می‌کند؟ اگر کسی بفهمد چنین بلایی سر کسی آمده، شاید ظاهرا به آن شخص دلداری بدهد، ولی پشتش به او هزار انگ می‌چسباند که فلانی فلان وبیسار بوده.» زمانی از او می‌خواهم داستان را برایم شرح دهد، ابتدا سکوت می‌کند و به جایی خیره می‌شود. سپس بعد از چند ثانیه می‌گوید: تابستان دو سال پیش بعد از تعطیلی مدرسه‌ام به پیشنهاد خانواده‌ام و برای پرسدن اوقات فراغت در یک مغازه‌ی فست‌فود مشغول به کار شدم. کارم طولی بود که می‌بایست تا ساعات ۱۱ شب سرکار

باشم و بعد از اتمام کار صاحب کارم برآmans می‌کردم گوشش بدهکار می‌گرفت ومن به‌خانه می‌رفتم. چندماه‌ای ازسرکار رفتن گذشته بود تا اینکه در یکی ازشب‌ها دوست صمیمی‌ام به در مغازه آمد و گفت امشب یک ساعت زودتر مرخصی بگیر تا برویم شهرپازی. یک هزار مکافات مرخصی گرفتم و با هم رفتیم. دو ساعتی به گشت‌وگذار پرداختیم و شب پیاده به خانه رفتیم. در مسیر بازگشت از یک بلوار تاریک خلوت می‌گذشتیم و هم‌چنان مشغول حرف زدن بودیم. داشتم به دوستم می‌گفتم حقوق این چندماه‌ام را جمع کنم می‌خواهم گوشی آیفون بگیرم هنوز در رویاهایم غرق بودم که ناگاه موتورسواری نزدیک‌مان شد و شروع به آذیت‌مان می‌کرد و مدام جلوی ما می‌پیچید. انگار حالش دست خودش نبود. سمت ما آمد و از پشت لباسم را کشید و پرتم کرد. من و دوستم خیلی ترسیده بودیم و جاقویی در دستش بود و به من گفت سوار موتورم شو وگرنه می‌کشمت و به زور من را سوار کرد و رفت. بعد هم من را برد لایه‌ای درختان بهشت‌زهرها و زورچاقو به من تجاوز کرد.

از او می‌پرسم؛ پس چه شد که تصمیم گرفتی این راز را برای ما بگویی؟ می‌گوید: راستش پیش خودم گفتم شما خبرنگار هستید و در روزنامه‌تان چنین اتفاقاتی را می‌نویسید تا پدرها و مادرها حواس‌شان به بچه‌های‌شان باشد. برای اینکه بچه‌ها هم مراقب باشند. بدون خانواده شب‌ها

گزارش پاسارگاد از تجربه افرادی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند

زندگی‌ام تباہ شد



جایی نروند. در این شهر هزاران گرگ‌صفت وجود دارد که بیماریزد ورحمی به کسی نمی‌کنند.»

او در طول گفت‌وگو مدام چشمانش قرمز می‌شوند و صورتش از آشک خیسب. انگار آن صحنه‌ی زجرآور برای هزارمین‌بارمقابل چشمانش سپس می‌گوید آن شب وقتی به خانه رسیدیم، سریع به اتاقم رفتم و هرچند خانواده‌ام پرسیدند: چرا لباس‌هایت پاره شده‌ان و چرا این قیافه هستی؟ گفتم‌دعوایم شده‌است، وچیزی به آن‌ها دق می‌کرد. توی طایفه ما اگر پسریر چنین بلایی سرش بیاید، آبروی خانواده‌اش می‌رود.من از ترس می‌آبرو شدن پدرم یا اینکه به چشم بدی به من نگاه کنند، چیزی نگفتم. این راز را حتی نزدیک‌ترین آدم‌های زندگی‌ام هم نمی‌دانند.

از او می‌پرسم بعد از این اتفاق چه کردی و چه دغدغه‌هایی داشتی؟ می‌گوید: «همچنان هر روز سرکار می‌رفتم، اما خیلی افسرده بودم و اگر کسی به من نزدیک می‌شد، بدنام از ترس خیس می‌شد. نزدیک ۲ سال است زندگی من همین‌طور گذشته است. وقتی یکی از دوستانم

را می‌دیدم، پیش خودم می‌گفتم این شخص درباره من چه فکری می‌کند. کندب به نظرش من آدم هزرای هستم و به میل خودم رفته باشم. این گزارش دو سال است آرام می‌دهد و نمی‌توانم فراموش‌ش‌کنم.»

زندگی‌ام تباہ شد

سیمای یکی از دوستان دوران دانشگاهم است که از یک جایی به بعد دیگر دانشگاه نیامد. آن سال‌ها هر زمان صحبت از سیمای می‌شد، صحبت بچه‌ها این بود: به او تجاوز شده است. خیلی وقت بود این قضیه را فراموش کرده بودم تا اینکه برای این گزارشم یاد سیمای افتادم. هنوز هم مطمئن نبودم که آیا به او تجاوز شده است که دانشگاه را ول کرده است یا خیر. به هر حال پیرسان پرسنل شماره‌اش را پیدا کردم. یک روز به او زنگ زدم. من را نشناخت و با هزاران نشانه خاطرش آمد و سپس احوال‌پرسی گرمی کردیم و پس از کلی تعریف‌خواسنار دیدنش شدم. چند روز بعد دریک کافی‌شاپ قرار گذاشتیم. زمانی آمد و ارا نشناختم. خیلی شکسته شده بود. اصلا اثری از آن دختر

دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۹۹ | شماره ۶۱۸

۴ مهرم ۱۴۴۲ | ۲۴ آگوست ۲۰۲۰

۷

پاسارگاد

و مادرم می‌گفتم من را می‌کشند. فقط چند نفر از دوستانم خبر داشتند. می‌گویم دیگر او را ندیدی؟ می‌گوید: چند بار پیش زنگ زدم و تهدیدش کردم او هم در جواب، وقیحانه گفت: خودت آمدی خانه‌ی من، اگر نمی‌آمدی این اتفاق نمی‌افتاد. به هر حال من هم نردم. بعد هم درش تمام شد و رفت و من دیگر او را ندیدم اما همیشه او را نفیرو من می‌کنم. می‌گویم پس از آن حادثه زندگی‌ات چه شد؟ می‌گوید به معنای کلمه ناپود شد. درسم می‌آمد و احساس گناه می‌کردم. خیلی زمان برد تا به وضع الانم برگردم. دیگر ازدواج نکردم. همه‌ی خواستگارهایم را از ترس اینکه شب عروسی بفهمند باکره نیستم رد می‌کردم. الان کار می‌کنم و در کنار خانواده‌ام زندگی می‌کنم. همه خواهر و برادرهای کوچک‌ترم ازدواج کردند و فقط من ماندم. هنوز هم خیلی از شب‌ها کیوس می‌بینم و با ترس از خواب می‌پریم، هنوز هم می‌ترسم تا کسی شخصی سوار شوم. در محل کارم می‌ترسم تنها با همکاران مرد تنها باشم. اصلا از همه‌ی مردها می‌ترسم. نگاهم که می‌کنند لرم می‌گیرد. دیگری به همه بی‌اعتماد شدم. می‌گویم فکر نمی‌کنی اگر به خانواده‌ات همان شب می‌گفتی بهتر بود؟ می‌گوید الان که فکر می‌کنم به نظرم اگر گفته بودم خیلی بهتر بود. حداقل فکری برایم می‌کردند یا آن نامرد را به سزای اعمالش می‌رساندند. هرچند که تمام قوانین تجاوز را خواندم اگر چه حکمش اعدام است اما برای اثباتش باید کشش آهنی بیوشی و هزار انگ بهت می‌زند، مخصوصا که من خودم به‌خانه‌اش رفته بودم. موقع خداحافظی می‌گوید لطفا هویتم پنهان بماند. بعد هم می‌گوید آخر گزارشت بنویس هرکسی این اتفاق برایش افتاد مثل من پنهانش نکند، چون خودش از بین می‌رود و تا آخر برای گرفتن حشش جلو برود هرچند که نتواند حشش را بگیرد.

گفت‌وگو با این دو نفر که هر یک به گونه‌ای تحت آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، برایم سخت و غم‌انگیز بود. درک اینکه سال‌ها با زخمی قدیمی سر کنی و نتوانی مرهمی روی آن بگذاری، آنچنان سخت است که داخل‌گاه قلب آدم می‌گیرد. بی‌نوجوانی‌ای که به ناپدید شدن اشتباه، یک غفلت یا ترس از بازگو کردن حقیقت برای خانواده‌اشان مسیر زندگی‌شان برای همیشه تغییر کرد. قربانیان تجاوز می‌توانند تجربه تلخ‌شان را با پاسارگاد در صفحه‌ی اینستاگرام پاسارگاد در میان بگذارند تا افرادی که مورد آزار قرار می‌گیرند بدانند چه بایدکنند.

پی

پیشنهادهای خود به نشانی:

اداره‌کل اموال و املاک بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی استان کرمان در نظر دارد تعدادی از املاک مشروح‌ه ذیل را از طریق مزایده عمومی با شرایط ویژه(به صورت نقد و اقساط بلندمدت و بدون کارمزد) واگذار نماید. متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ ۰۱/۰۶/۹۹ لغایت ۰۱/۰۶/۹۹ همه روز ه به جز ایام تعطیل از ساعت ۰۳:۰۸ الی ۰۱ جهت اخذ اطلاعات و بازدید از محل و دریافت فرم شرکت در مزایده و ارائه

- پیشنهادات خود به نشانی:
- کرمان– بزرگراه امام خمینی(ره)– بعد از هتل گواشیر– خیابان شهید عباس ورز نژده– غربی ۱ –روبروی پارک وحدت– اداره کل اموال و املاک بنیاد مستضعفان استان کرمان مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۴۵۱۶۲۴۵۱۶۷۰۵۵–۳۲۵۱۶۷۰۵۵(تماس حاصل فرمایند.
 - شهرستان سیرجان– بلوار قآتی– خیابان معلم– پلاک ۴۸ تلفن ۰۶۳۳۴۰۶۳۳۰۶–۰۱۳۲۴۵۵۷۱–۰۳ تماس حاصل فرمایند.
 - اخذ پلکتهای پیشنهادی به همراه اصل چک بانکی در وجه سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان به شماره شناسه ملی ۰۱۰۰۱۷۱۹۲۰ به میزان ۵ درصد قیمت پایه ملک مورد نظر طبق شرایط شرکت در مزایده همه روز ه به جز ایام تعطیل در ساعت تعیین شده قابل انجام است.
 - در تاریخ ۰۲/۰۶/۹۹ متقاضیان می‌توانند پلکتهای پیشنهادی خود را تا ساعت ۰۳:۰۹ صبح در محل بازگشایی، در صندوق پاکت قرار دهند.
 - بازگشایی پلکتهای پیشنهادی در محل کرمان به نشانی فوق‌الذکر در روز چهارشنبه مورخ ۱۲/۰۶/۹۹ ساعت ۰۳:۰۰ صبح طبق برنامه زمان بندی انجام می‌گردد.
 - پیشنهادات فاقد سپرده و یا محدودش و مبهم و مشروط از درجه اعتبار ساقط و رعایت مفاد شرایط شرکت در مزایده که از طریق دفتر فروش ارائه می‌گردد الزامی می‌باشد. ضمنا امتضای پشت و روی فرم تقاضا ضروری است.
 - هزینه محضر (حق الثبت و حق التحریر) بالمناصفه به عهده طر فین می‌باشد.
 - ساز مان در رد یا قبول پیشنهادات واصله مختار می‌باشد.
 - اخذ اطلاعات از دفتر مزایده و بازدید از املاک لازم و ضروری می‌باشد. بدیهی است در صورت عدم بازدید و اخذ اطلاعات لازم، مسئولیتی متوجه این سازمان نخواهد بود.
 - یک درصد رقم پیشنهادی به عنوان هزینه مزایده از برندگان نقدا دریافت می‌گردد.
 - شرایط فروش کلیه املاک مندرج در لیست مزایده به صورت جدول زیر خواهد بود.

ردیف	قیمت پایه مزایده	درصد پرداخت نقدی	زمان تحویل ملک	درصد پرداخت قسطی(باقیمانده)	دوره اقساط(ماه)	درصد تخفیف در صورت پرداخت نقدی نسبت به ۶۰٪ باقیمانده
۱	تا سقف ۱۰۰ میلیارد ریال	۳۰ درصد	۱۰ درصد	۶۰ درصد	۲۴	حد اکثر تا ۱۸ درصد
۲	بالتر از ۱۰۰ میلیارد ریال	۳۰ درصد	۱۰ درصد	۶۰ درصد	۳۰	حد اکثر تا ۱۸ درصد

ردیف	آدرس / پلاک ثبتی/ قطعه	عرصه (متر مربع)	امیان (متر مربع)	نوع ملک/ کاربری	میزان مالکیت/توضیحات		قیمت پایه (ریال)
					فروش	موقوفه	
۱	قسمتی از قطعه D8 از اراضی سعید آباد از پلاک ثبتی ۲۱۱۲ واقع در شهرستان سیرجان– بلوار فاطمه فرعی– ضلع جنوب شرقی میدان حاج‌میرزاسعید سیرجان	۱۶۲۴۲	---	زمین تجاری	ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۱۱۶۴ متر مربع (قسمتی از قطعه D8) فاقد سند مالکیت که قسمتی از آن در تصرف اشخاص و قسمت باقیمانده که در اختیار این اداره‌کل است با متراژ ذکر شده قابل فروش می‌باشد. پرداخت سهم سرانه، حق تفکیک و هرگونه نهجی به شهرداری و غیره بر عهده خریدار می‌باشد. متقاضی قبل از شرکت در مزایده حتما باید از مالک یا بازدید نماید. (فروش با وضع موجود)	۰۰۰۰۰۰۰۰۰/۲۳۰۰۰۰۰۰۰۰	
۲	دو سهم مشاع از ۹۶-سهام ششدانگ فئات سعادت‌آباد رفسنجان سعادت‌آباد رفسنجان	---	---	آب فئات	تحت پلاک ثبتی ۱۹۱۹ مگر اصلی بخش ۹ کرمان دارای سند مالکیت دفترچه‌ای، به واسطه عدم امکان تک برگ نمودن سند دفترچه انتقال سند به نام خریدار به صورت وکالتی انجام می‌شود.	۰۰۰۰۰۰۰۰۰/۳۳۵۰۰۰۰۰۰	
۳	شهرستان رفسنجان– روستای حسن آباد– نوش آباد– بر خیابان شهیدان رضایی– پلاک ثبتی ۱۱۵۵ فرعی از ۱۸۷۷ اصلی بخش ۹ کرمان	۲۷۶۵۱۴	---	باغ – زراعی	ششدانگ– دارای سند مالکیت تکبرگ– باغ غیر مشجر که مقداری از آن در حد جنوب در طرح تعریف خیابان مستهلک گردیده و مقداری نیز در حرم خطوط و تیرهای برق و تلفن قرار دارد که هرگونه توافق با دهیاری روستای حسن آباد– نوش آباد و نیز رفع موانع و یا هرگونه توافق با ادارات مربوطه یا هر میزان مساحت در این خصوص بر عهده خریدار خواهد بود. (فروش با وضع موجود)	۰۰۰۰۰۰۰۰۰/۲۶۰۰۰۰۰۰۰۰	

«لیست املاک آماده فروش مرحله دوم مزایده سال ۹۹ استان کرمان»



فرارسیدن محرم و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش تسلیت باد

روابط عمومی شرکت خنم آوران

سخت و معدن کل کور سهامی نامی

آگهی تغییرات شرکت سهام کوشان حدید سیرجان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۴۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۲۳۸۷۲۵
۱۹/۰۳/۱۳۹۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

الف– تعیین سمت مدیران: آقای احمدعلی آجبر شماره ملی ۱۳۱۳۳۱۰۳۱۳۳۲۰۶۹۹۲ به سمت رییس هیئت‌مدیره آقای علی سعید شماره ملی۰۵۸۰۲۹۹۲۸۴۲۵۰۲به سمت مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره خانم زهرا محمودی شماره ملی۰۴۴۴۴۳۴۳۴۳۱۸۱۴۵۴۳۴۳۲به سمت نایب‌رییس هیئت‌مدیره آقای سجاد سنجرپور شماره ملی۰۲۹۷۹۲۵۰۲۹۸۰۲ به سمت عضو هیئت‌مدیره

ب– کلیه استاد و اوراق بھادر و تعھدآور شرکت از قبیل (چک، سفته و برات) و قراردادهای شرکت با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت و سایر نامه‌های اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره‌کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۰۸۴/۹۵۰۰۰۸۴)

آگهی رای هیات

در اجرای بند ۲ ماده یک قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن بدینوسیله به اطلاع می‌رساند در اجرای قانون فوق‌الذکر ورثه مرحوم عزت‌آبادی‌پور عبارتند از: (رضا شماره ملی ۰۷۱۵۴۳۸۳۲ و علی شماره ملی ۰۳۰۷۱۵۲۰۲۸۱ و زهرا شماره ملی ۰۴۴۴۴۳۴۳ و هاجر شماره ملی ۱۲۴۳۲۰۳۰۷۴۰۶۸۵۳۳۰۴۰ فاطمه شماره ملی ۰۷۱۵۱۵۶۹۳ و مصومه شماره ملی ۰۷۱۵۳۲۰۴۰ همگی نژادخراسانی فرزندان نامبرده برابر گواهی انحصار وراثت شماره ۰۱۷۲۰۹۹۷۳۴۸۶۰۰۰ مورخ ۲۵/۰۳/۱۳۹۹ شورای حل اختلاف شماره ۱۰ سیرجان با شنیدگی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سیرجان درخواست صدور سند ششدانگ یک باب خانه نیم‌ساز پلاک ۸۷۶۶ فرعی از ۰۸۷۰۵ اصلی به مساحت ۰۳۶ متر مربع واقع در نجف‌شهر سیرجان بخش ۳۶ کرمان را نموده است که پس از رسیدگی رای شماره ۹۹۶۷ مورخ ۰۱/۰۶/۱۳۹۹ هیات حل اختلاف موضوع ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر رای به صدور سند ملک نامبرده صادر نموده، بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند طرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی چنانچه کسی به تقاضای نامبرده مقترض است، اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد سیرجان تسلیم و از تاریخ تسلیم طرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض بر ثبت به مرجع صالح قضایی تسلیم و گواهی مربوطه را به اداره ثبت اسناد سیرجان ارایه نماید. چنانچه طرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض نرسد و یا مقترض طرف یک ماه از تاریخ اعتراض گواهی تنظیم دادخواست به مرجع صالح قضایی را ارایه نماید، سند مالکیت به نام متقاضی صادر و تسلیم می‌گردد. ۰۳/۰۶/۱۳۹۹ الف